تازه‌ها

ترامپ، مجری فاکس‌نیوز را برای وزیر دفاع آمریکا برگزید

رئیس جمهور منتخب ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که مجری شبکه فاکس‌نیوز، پیت هگزا را نامزد ریاست پنتاگون خواهد کرد.
طبق گزارش رادیو ملی آمریکا، ترامپ با معرفی هگزا به‌عنوان وزیر دفاع دولت خود گفت: «پیت سرسخت، باهوش و معتقد واقعی به «اول آمریکا» است. با به کار گرفتن پیت، دشمنان آمریکا گوش به زنگ خواهند بود. ارتش ما بار دیگر بزرگ خواهد بود و آمریکا هرگز عقب‌نشینی نخواهد کرد».
هگزا، کهنه‌سرباز گارد ملی ارتش آمریکا است که ماموریت‌هایی را در عراق، افغانستان و خلیج گوانتانامو، به‌عنوان افسر پیاده نظام انجام داده است و در دوران خدمت وی در ارتش، به او دو ستاره برنز و یک نشان پیاده نظام رزمی اعطا شده است.
هگزا در سال ۲۰۱۲ قبل از آن‌که از سیاست کناره‌گیری کند، مبارزات انتخاباتی کوتاه مدتی را برای سنا در ایالت خود در مینه سوتا انجام داد.
وی قبل از پیوستن به فاکس‌نیوز، مدیر سازمان حمایت از کهنه‌سربازان «کهنه‌سربازان نگران آمریکا» بود و در سال ۲۰۱۴ به شبکه فاکس‌نیوز پیوست.
علی‌رغم آن‌که برخی از پرسنل فعلی و سابق فاکس‌نیوز از ترامپ حمایت کرده‌اند و حتی شبکه فاکس‌نیوز به عنوان شبکه حامی ترامپ شناخته می‌شود، هگزا اولین کارمند این شبکه است که برای دریافت پست در دولت ترامپ نامزد می‌شود.

منافع ترامپ از کنترل سنا و کنگره

پیشتازی جمهوریخواهان در سه‌گانه قدرت

کتایون مافی
گروه بین‌الملل

خبرها از انتخابات کنگره آمریکا نشان می‌دهد که جمهوریخواهان آمریکایی موفق شده‌اند تا سه‌گانه قدرت را در این کشور در اختیار بگیرند.
شاید به یاد داشته باشید که دونالد ترامپ در سخنرانی پیروزی خود در پالم بیچ فلوریدا، گفته بود که ما می‌توانیم باردیگر کنترل مجلس نمایندگان را به‌دست بگیریم. پس از مشخص شدن اولین نتایج انتخابات، ترامپ پیروزی حزبش در سنا را باورنکردنی خواند.
وی همچنین به موفقیت جمهوریخواهان در مبارزات انتخاباتی مجلس نمایندگان اشاره و تأکید کرد که این حزب مدیون مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان است. حالا نتایج انتخابات کنگره نشان می‌دهد که همراه با کنترل سنا از سوی جمهوریخواهان، فرصت کافی برای اجرای سیاست‌های ترامپ در آمریکا فراهم شده است.

انتخابات کنگره و نتایج آن

باتوجه به این‌که کنگره آمریکا نهاد قانونگذاری دولت فدرال این کشور است، طبق قانون اساسی این کشور تمام اختیارات قانونگذاری متعلق به کنگره بوده و کنگره نیز از سنا (مجلس علیا) و مجلس نمایندگان (مجلس سفلی) تشکیل شده است. کنگره آمریکا دارای ۵۳۵ عضو دارای رأی است که شامل ۱۰۰ سناتور و ۴۳۵ نماینده کنگره می‌شود.
البته معاون رئیس جمهور آمریکا به عنوان رئیس مجلس سنا، تنها در صورت تساوی، حق رأی در مجلس سنا را دارد.
مجلس نمایندگان همچنین شامل شش عضو بدون حق رأی (نمایندگان از ناحیه کلمبیا، گوام، جزایر ویرجین، ساموآی آمریکایی، جزایر ماریانای شمالی و پورتوریکو) است.
نمایندگان کنگره برای دو سال انتخاب می‌شوند و قاعده کلی این است که اعضای کنگره از طریق انتخابات مستقیم انتخاب می‌شوند. رای‌دهندگان ثبت‌نام‌شده در آمریکا که حداقل ۱۸ سال سن دارند، می‌توانند رای دهند.
سنای آمریکا نیز نهاد نمایندگی ایالتی است و از ۱۰۰ سناتور تشکیل شده است و صرف‌نظر از جمعیت، هر ایالت توسط دو نماینده، نمایندگی می‌شود. سناتورها برای دوره‌های شش ساله انتخاب می‌شوند.
در ۵ نوامبر امسال، نه‌تنها انتخابات ریاست جمهوری بلکه انتخابات پارلمانی نیز در آمریکا برگزار شد و آمریکایی‌ها ۴۳۵ نماینده مجلس نمایندگان را انتخاب کردند. علاوه‌بر این ترکیب مجلس عالی کنگره، در سنا نیز جمهوریخواهان نتایج خوبی را کسب کردند و اعضای حزب دونالد ترامپ قطعا اکثریت را در سنا به دست آورده‌اند.

چه چیزی در آمریکا تغییر می‌کند؟

باوجود چنین شرایطی اولین سؤال این است که چه فرصتی برای جمهوریخواهان در آمریکا فراهم شده و سیاست‌های این کشور چگونه تغییر می‌کند.
دیمیتری پوپوف در سایت لنتا در این‌باره نوشت کنترل کنگره آمریکا به ترامپ اجازه می‌دهد تا به وعده‌های خود عمل کند.
این نویسنده در مقاله خود با اشاره به این‌که اینک حزب جمهوریخواه بر دو قدرت اجرایی و مقننه کنترل دارد، نوشت: حالا جمهوریخواهان آماده تشکیل یک دولت واحد در کاخ سفید، سنا و مجلس نمایندگان هستند.
از سوی دیگر روزنامه نیویورک‌تایمز در مطلبی نوشت: پیروزی جمهوریخواهان در کنگره باید به دونالد ترامپ فرصت‌های بیشتری نه‌تنها در قوه مقننه، بلکه در قوه قضاییه بدهد.
با موافقت سنا، رئیس جمهور جدید می‌تواند تعداد بیشتری از حامیان خود را در دیوان عالی که در حال حاضر تحت سلطه محافظه‌کاران است، منصوب کند.
این روزنامه در ادامه تحلیل خود افزود: این امر، کنترل محافظه‌کاران بر قوه قضاییه را برای نسل‌ها تثبیت می‌کند.
علاوه‌بر این، از دست دادن کنترل هر دو مجلس توسط دموکرات‌ها، آنها را از توانایی انجام تحقیقات علیه سیاستمداران جمهوریخواه که می‌تواند به حزب حاکم آسیب برساند، سلب خواهد کرد.

سیاست‌های داخلی و خارجی

حضور جمهوریخواهان در سه‌گانه قدرت، این شانس را به ترامپ می‌دهد که همسویی با سیاست‌ها و اهدافش پررنگ‌تر شود.
به عقیده کارشناسان این امر موجب می‌شود که ترامپ، سیاست‌های داخلی خود را به‌ویژه در زمینه‌های اصلاحات کاهش مالیات بر کسب و کارها، اعمال تعرفه بر واردات و مهاجرت را تقویت کند.
نباید فراموش کنیم ترامپ بر آن خواهد بود تا شخصیت متفاوتی را از خود به عنوان رئیس جمهور آمریکا در عرصه سیاست خارجی این کشور به نمایش بگذارد.
بعید است او بخواهد با رویکردها و شخصیت جنجالی سابق خود باردیگر سیاست خارجی کشورش را رهبری کند.
او خوب می‌داند آمریکایی‌ها خسته از مداخلات خارجی کشورشان در جنگ‌های مختلف‌اند و در عین حال، دلیل اصلی آنها برای رای دادن به او نیز تقویت وضعیت اقتصادی و رفاهی‌شان بوده است.
از سوی دیگر اصلی‌ترین اولویت سیاست خارجی دولت ترامپ به اذعان بسیاری از تحلیلگران مسائل راهبردی، چین خواهد بود.
از این رو، ترامپ به احتمال زیاد بر آن خواهد بود تا این کشور را به طرق مختلف تحت فشار قرار دهد.
این بدان معنا نیست که دولت ترامپ علیه دیگر رقبای بین‌المللی آمریکا کاری نخواهد کرد، بلکه مسأله اصلی این است که او عمده تمرکزش را بر چین خواهد گذاشت.
از این رو، به نظر می‌رسد که طی چهار سال آینده حضور ترامپ در قدرت، دولت وی به نحوی ویژه معطوف به تشدید فشارها علیه چین به‌ویژه در حوزه اقتصادی باشد.
در این میان همراهی کنگره و سنای آمریکا با این سیاست‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
اختیارات اصلی کنگره آمریکا شامل مالیات، تنظیم تجارت با کشورهای خارجی و قدرت اعلان جنگ و همچنین تشکیل نیروهای نظامی و تخصیص بودجه برای نگهداری آنها است.
هر دو مجلس عمدتا به فعالیت قانونگذاری می‌پردازند اما سناتورها نقش مهمی در تشکیل دولت و ریاست جمهوری دارند.
بنابراین، این سنا است که می‌تواند انتصابات ریاست جمهوری در پست‌های ارشد دولتی را تأیید و رد کند. علاوه‌بر این، صلاحیت مجلس اعلا شامل تصویب معاهدات بین‌المللی نیز می‌شود.
یک لایحه بدون تصویب توسط هر دو مجلس، نمی‌تواند لازم الاجرا شود. یادمان باشد که در پاییز و زمستان ۲۰۲۳-۲۰۲۴، این مجلس نمایندگان بود که از تخصیص بسته جدید کمک نظامی جو بایدن به اوکراین جلوگیری کرد.

گزارش

نتانیاهو در برابر برکناری بن گویر و فروپاشی کابینه مقاومت می‌کند

چهارمین لایه بحران در کابینه ترور

سعید سبحانی
گروه بین‌الملل

اگرچه برخی نزدیکان نتانیاهو تصور می‌کردند پس از برکناری گالانت از سمت وزارت جنگ و یکدست‌تر شدن کابینه تروریستی رژیم اشغالگر قدس دیگر مناقشه‌ای در داخل این مجموعه ظهور و بروز پیدا نخواهد کرد، اما رسوایی امنیتی اخیر در دفتر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، این پیش‌فرض را ابطال ساخته است. اکنون شاهد شکل‌گیری مناقشه‌ای جدید در اراضی اشغالی هستیم که در آن، اعضای کنونی کابینه نتانیاهو به صورت پنهان (و در آینده‌ای نزدیک به صورت آشکار) در برابر یکدیگر قرار گرفته و بازی مقصرسازی علیه یکدیگر را آغاز کرده‌اند. محصول ادامه این روند اجتناب‌ناپذیر، سقوط کابینه رژیم اشغالگر قدس خواهد بود.

جدال جدید در کابینه صهیونیست‌ها

رسانه‌های صهیونیستی گزارش داده‌اند اعضای کابینه نتانیاهو درباره پاسخ مورد انتظار گالی بهاراو میاره، مشاور قضایی کابینه که در آن از برکناری بن گویر حمایت خواهد کرد، بحث کردند. نتانیاهو با اشاره به امکان صدور دستور برکناری بن گویر، تاکید کرد هرگز وی را برکنار نخواهد کرد. نتانیاهو روی میز کوبید و گفت: «من راهی سریع‌تر برای ایجاد بحران در قانون اساسی از این روش تلاش برای برکناری وزیر بدون تفهیم اتهام او نمی‌شناسم.»
این رویکرد نتانیاهو، از یک سو نشان دهنده اثبات اتهامات وارده به او در خصوص افشای هدفمند اطلاعات و از سوی دیگر، بیانگر وضعیت روانی سختی است که بر کابینه کنونی رژیم اشغالگر قدس حاکم شده و شاهد استمرار آن خواهیم بود. قانون درعی ـ بنحاسی (که به وزرای سابق آریه درعی و رافائل بنحاسی منسوب است) مبتنی بر این است که ارائه کیفرخواست علیه یکی از اعضای کابینه، نخست‌وزیر را موظف می‌کند که برکناری او یا ادامه کارش در کابینه را بررسی کند. در برخی موارد، تصمیم نخست‌وزیر مبنی بر عزل نکردن وزیر به دلیل کیفرخواست ممکن است به سطحی بسیار غیرقابل قبول برسد که ممکن است باعث شود دادگاه عالی به نخست‌وزیر دستور دهد وزیر را برکنار کند. در این صورت، قاعدتا شاهد سقوط کابینه ائتلافی خواهیم بود. یعنی شکست در جنگ غزه و لبنان از یک سو و فروپاشی کابینه از سوی دیگر! نمادهای شکست نظامی و سیاسی نتانیاهو در حال اتصال و ترکیب با یکدیگر هستند. این بدترین وضعیتی است که نتانیاهو می‌توانست تصور کند!

چهارمین لایه منازعه در تل‌آویو

به نظر می‌رسد وارد چهارمین لایه منازعه در اراضی اشغالی شده‌ایم. لایه نخست منازعه، معطوف به اختلاف میان نتانیاهو و مخالفان داخلی وی است. لایه دوم، معطوف به اختلافات نتانیاهو و بنی گانتز در کابینه جنگ (کابینه اضطراری) و فروپاشی آن بود. لایه سوم منازعه، مربوط به برکناری گالانت و تبعات آن بوده است. اما لایه چهارم منازعه، در درونی‌ترین سطح کابینه شکل گرفته و افشای پرونده اطلاعاتی و امنیتی اخیر علیه نتانیاهو و همراهانش به تسریع روند آن منجر شده است. در این میان، برخی منابع مدعی هستند شاید بن‌گویر حتی در صورت برکناری، حزب متبوعش (جریان صهیونیست ملی) را از کابینه خارج نکند تا نتانیاهو در مسند قدرت باقی بماند. اما تضمینی در این خصوص وجود ندارد! بدون شک حضور پررنگ‌تر افرادی مانند آریه درعی در تصمیم‌گیری‌های کابینه جنگ، به مذاق افرادی مانند بن گویر، وزیر امنیت داخلی و اسموتریچ، وزیر دارایی رژیم اشغالگر قدس خوش نخواهد آمد! درعی خواستار مبادله اسرا میان رژیم صهیونیستی و حماس در ازای آتش‌بس است. منازعه کنونی در تل‌آویو را می‌توان پیچیده‌ترین منازعه امنیتی از ابتدای حضور نتانیاهو در مسند قدرت تلقی کرد. مدیریت این منازعه قطعا از عهده نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس خارج است، زیرا خود او مظنون ماجراست! در هر حال، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس چه بخواهد یا نخواهد، مشاور قضایی وی علیه بن گویر «پرونده‌ای» تشکیل داده است. براساس این پرونده گفته می‌شود وی خارج از اختیارات خود و برخلاف قانون عمل کرده است و در نتیجه نتانیاهو باید بن گویر را برکنار کند و ابقای او در سمت خود تصمیمی کاملا غیرمنطقی است. نکته مهم‌تر این‌که درخواست مشاور قضایی برای اخراج بن گویر احتمالا مبتنی بر شواهدی «در سطح اداری» است و نه بر اساس شواهد در سطح کیفری! به عبارت بهتر، اگر سطح کیفری ماجرا (حول پرونده رسوایی اطلاعاتی اخیر در دفتر نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس) به سطح اداری آن افزوده شود، مثلث بن گویر ـ نتانیاهو ـ اسموتریچ و متعاقبا کابینه رژیم صهیونیستی در هم خواهد شکست.
نتانیاهو مدعی شده حتی اگر دادگاه عالی دستور دهد بن گویر برکنار شود، وی هرگز او را برکنار نخواهد کرد اما نتانیاهو به این سؤال پاسخ نداده که اگر وی خود نیز در این معادله چندمجهولی متهم شمرده شود تکلیف او و وزیر امنیت داخلی رژیم اشغالگر قدس چه خواهد بود. در صورت استنکاف نتانیاهو از دستور دادگاه عالی، پلیس رژیم صهیونیستی باید انتخاب کند که به بن گویر به‌عنوان وزیر امنیت داخلی گوش دهد یا نه که این امر می‌تواند باعث تشدید بحران و هرج و مرج در اراضی اشغالی شود.

ذره‌بین

مشارکت سربازان کره‌شمالی در جنگ اوکراین

پیونگ‌یانگ به دنبال چیست؟

اخیرا خبرهای متعددی درباره اعزام نیروهای کره‌شمالی به اوکراین، تحت فرماندهی روسیه منتشر شده است اما دلیل مشارکت پیونگ‌یانگ در این جنگ چیست؟ به گزارش مقامات اوکراینی و آمریکایی، چندین هزار سرباز کره‌شمالی به منطقه کورسک در غرب روسیه منتقل شده‌اند و ارتش اوکراین نیز از درگیری با نیروهای اعزامی کره‌شمالی درگیر خبرهایی منتشر کرده و این خبرها تایید رسمی از درگیری مستقیم با سربازان کره‌شمالی در اوکراین محسوب می‌شود. ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین نیز نسبت به این تحولات ابراز نگرانی کرده و آن را نشانه‌ای از افزایش بی‌ثباتی جهانی دانسته است.

اما دلیل این امر چیست؟

ورود نیروهای کره‌شمالی به جنگ اوکراین به عنوان یک تحول مهم در زمینه امنیت جهانی و استراتژی‌های نظامی روسیه تلقی می‌شود. این اقدام نه‌تنها نشان‌دهنده همکاری نزدیک‌تر بین مسکو و پیونگ‌یانگ است، بلکه اهداف چندگانه‌ای را برای روسیه به همراه دارد. از طرفی دیگر کره‌شمالی نیز برای پیشبرد منافع و اهداف خود وارد جنگ شده است. محمدعلی بصیری، کارشناس مسائل بین‌الملل در این‌باره گفت: رویه اعزام سربازان به دنبال توافقات دفاعی، یک رویه معمول است و حتی در طرف مقابل، ناتو و آمریکا هیچ قرارداد دفاعی با اوکراین ندارند اما مستشاران آنها در این کشور حضور دارند و غرب انواع سلاح‌ها را برای اوکراین ارسال می‌کند. بنابراین این جبهه‌بندی که در گذشته بود و از هم پاشید و سبب ایجاد نظام تک‌قطبی در جهان شد به هم خورده و امروز به شکل چندجانبه‌گرایی نمود پیدا کرده است.
وی افزود: با آمدن کره‌شمالی به جنگ اوکراین، ایده موفقیت روسیه در جنگ، یک گام به جلو می‌رود، به‌طوری که اکنون بیشتر منطقه کورسک با ۳۰ هزار کشته از سربازان اوکراینی، دوباره به دست روسیه افتاده و در مناطق دیگر جنگ هم تقریبا اوکراین تضعیف شده است. آمدن دونالد ترامپ و حضور سربازان کره‌شمالی، جهت درگیری را به نفع روسیه می‌کند و به احتمال زیاد اگر توافقی شود، بخش روس‌نشین اوکراین و کریمه را آمریکا به رسمیت شناخته و از آن روسیه می‌داند.
این استاد روابط بین‌الملل گفت: سربازان کره‌شمالی کمک‌کنندگان نظامی خوبی برای روسیه هستند و حضور آنها، سبب می‌شود آمریکا و ناتو دیگر جرات حمله زمینی به کره‌شمالی را نداشته باشند، چراکه در این صورت روسیه متعهد به دفاع از کره‌شمالی خواهد بود و درنتیجه این تحول موجب بازدارندگی عملی برای کره‌شمالی می‌شود.

نگاهی به افزایش نیروهای مسلح روسیه

روسیه به دنبال افزایش تعداد نیروهای مسلح خود است. ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در سپتامبر ۲۰۲۴ فرمانی را برای گسترش ارتش روسیه صادر کرد. جایگزینی تلفات و گسترش نیرو، نیازمند افراد زیادی است. این کمبود پرسنل در زمان جنگ طبیعی است و منحصر به روسیه نیست. روسیه سربازان وظیفه دارد اما طبق قانون، آنها نمی‌توانند خارج از خاک روسیه خدمت کنند. از سوی دیگر اگرچه پوتین از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است اما این یکی از قوانینی است که پوتین تمایلی به نقض آن نداشته است. او هنوز با افکار عمومی روبه‌رو است و فشارها برای محافظت از سربازان وظیفه، بسیار زیاد است. البته روسیه در پاییز ۲۰۲۲ بسیج نسبی‌ای انجام داد که در آن ۳۰۰ هزار نیروی ذخیره را فراخواند. این اقدام، فشار بر نیروهای روسیه را در جریان ضدحمله اوکراین در خرسون و خارکف کاهش داد اما پوتین نمی‌خواهد بسیج دیگری را انجام دهد. در عوض، روسیه استراتژی‌های پرسنلی را دنبال کرده است که تأثیر سیاسی داخلی را به حداقل می‌رساند.

اهداف روسیه از ورود نیروهای کره‌شمالی

اما اهداف روسیه از ورود نیروهای کره‌شمالی به جنگ را می‌توان در چند مسأله مورد توجه قرار داد که یکی از آنها تقویت نیروهای انسانی است. اعزام نیروهای کره‌شمالی به این کشور به مسکو این امکان را می‌دهد تا نیروی بیشتری را برای ادامه جنگ در اختیار داشته باشد. از سوی دیگر روسیه تلاش می‌کند تا با استفاده از سربازان خارجی، نقاط ضعف اوکراین را شناسایی و قدرت دفاعی آنها را ارزیابی کند. این اقدام به روسیه کمک می‌کند تا استراتژی‌های خود را برای حملات آینده تنظیم کند.
از سوی دیگر، امضای پیمان روسیه تلاش می‌کند تا به کشورهای مخالف خود نشان دهد که منزوی نشده و هنوز متحدانی دارد که می‌تواند به کمک آنها در برابر تحریم‌های بین‌المللی و فشار کشورهای غربی، ایستادگی کند. همکاری نظامی بین روسیه و کره‌شمالی، نشان‌دهنده تقویت روابط دو کشور در برابر فشارهای غرب است. در عین حال ورود نیروهای کره‌شمالی به جنگ اوکراین، می‌تواند بی‌ثباتی بیشتری در منطقه ایجاد کند و بر توازن قدرت جهانی تأثیر بگذارد.

سود کره‌ای‌ها از معامله با مسکو

در همین حال کره‌شمالی به دلایل مختلفی به جنگ اوکراین پیوسته است که عمدتا شامل منافع استراتژیک و نظامی این کشور می‌شود. تقویت روابط با روسیه به کره‌شمالی این امکان را می‌دهد که از حمایت‌های نظامی و اقتصادی مسکو بهره‌مند شود. این دو کشور در اوایل سال جاری توافقنامه‌ای امضا کردند و در آن متعهد شدند که در صورت حمله به هریک از دو کشور، به یکدیگر کمک کنند.
همچنین یکی دیگر از انگیزه‌های پیونگ یانگ از اعزام نیرو به روسیه، جلب فناوری‌های نظامی پیشرفته است.